

متن پرسش

با سلام و احترام. استاد گرامی سوالی از حضورتان داشتم: ۱. دوستی دارم که هرچه تلاش کرده نتوانسته بخش پرسش و پاسخ را در سایت لب المیزان بیابد و من قرار شد سوال ایشان را بپرسم: ایشان می گوید همسری دارد که از جنبه های گوناگون خوب هست، و مردی مسئولیت پذیر، سعی و به فکر رفاه خانواده و مومن. منتهی دوست من می گوید به هیچ وجه نمی توانم با شوهرم هماهنگ شوم و ما از دو سنخ مختلف هستیم. در واقع می گوید آن مچ شدن و یکی شدن بینشان وجود ندارد و هر وقت هم که به همسرش می گوید ایشان معتقدند مشکلی نیست و من که همه وظایفم را انجام می دهم. در صورتی که دوست من انتظار دارد همسرش با عشق و علاقه با او صحبت کند و محبت بیشتری به او نماید. اما شوهر ایشان اصلا وارد این نوع از فضاها نمی شود به طوریکه دوستم اصلا نمیداند او از زندگی مشترکشان راضی است یا نیست؟ دوستم مایل است بداند اینکه از این زندگی به دلیل عدم بهره مندی از مهر و محبت شوهر راضی نیست، از مکاید شیطان است و یانه؟ و وظیفه ایشان چیست؟ دوستم می گوید تمام راههای ممکن را رفته بنابراین راهحلی برای حل مشکل وجود ندارد، پس چگونه این مسئله را بپذیرد؟ و اگر اینزندگی را علیرغم میل باطنی تا پایان عمر تحمل کرد این تحمل امری مقدس محسوب می شود و یا اینکه در آن دنیا ممکن است به او بگویند میخواستی طلاق بگیری وقتی خداوند راه حل طلاق را گذاشته بود؟ و اصولا ناراحت بودن برای این مسائلی که غالبا نعمات دنیوی هستند چه کمی دارد؟ و تا چه حد باید غصه آنها را خورد؟

متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی هر زن و شوهری نسبت به همدیگر وظایفی دارند، چنانچه هرکدام وظیفه‌ی خود را نسبت به همدیگر انجام دادند و حقوق همدیگر را رعایت کردند، بقیه‌ی زندگی هرکدام از خودشان هستند و باید در کمالات اخلاقی و معرفتی و معنوی خود بکوشند. مسلم اگر دوست شما وظیفه‌ی خود را خوب انجام دهد و شوهر خود را با سایر مردها مقایسه نکند و خوبی‌های او را ببیند و در کمالات معنوی خود بکوشد در نزد خداوند اجر خواهد داشت. موفق باشید